

# دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس

## جلسه ۳، شناخت خدا و داستان کتاب مقدس

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه سوم است، شناخت خدا و داستان کتاب مقدس و شناخت خدا و الهیات ما.

ما به سخنرانی‌هایمان در مورد آموزه‌های مکاشفه و کلام خدا ادامه می‌دهیم و پس از آن، خب، هنوز به این بخش از مقدمه کتاب مقدس می‌پردازیم. ما با کمک پیتر جنسن یک مقدمه تاریخی ارائه دادیم و اکنون با کمک کتاب الهیات مسیحی کریستوفر مورگان، شناخت خدا و داستان کتاب مقدس، در حال انجام یک مقدمه کتاب مقدس هستیم. ما می‌خواهیم از طریق اپیزودهای کتاب مقدس، اگر بخواهید، خلقت، هیبوط، رستگاری و کمال، به تفکر در مورد شناخت خدا بپردازیم.

آفرینش. در آغاز، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، پیدایش ۱.۱. خدای ابدی و قائم به ذات، که پیش از ماده فضا یا زمان وجود داشته، جهان و هر آنچه را که وجود دارد، خلق می‌کند. بروس والتکه پیدایش ۱:۱ تا ۲:۳ را معرفی می‌کند و نقل می‌کند که روایت آفرینش، ارائه‌ای بسیار پیچیده است که برای تأکید بر والایی، قدرت، عظمت و حکمت خدای خالق و پایه‌گذاری جهان‌بینی جامعه‌ی عهد، طراحی شده است.

این از کتاب پیدایش نوشته‌ی والتکه، یک تفسیر است. خدا به عنوان شخصیت اصلی در پیدایش ۱ می‌آفریند، می‌گوید، می‌بیند، جدا می‌کند، نام‌گذاری می‌کند، می‌سازد، منصوب می‌کند، برکت می‌دهد، تمام می‌کند، مقدس می‌کند و استراحت می‌کند. خدا آسمان، خورشید، ماه، آب، درختان، حیوانات یا هر چیز دیگری که آفریده شده نیست.

خداوند آنها را می‌آفریند و آنها مطیع او هستند. خلقت نه خدا است و نه جزئی از خدا. او مطلق است و وجودی مستقل دارد، در حالی که خلقت، هستی خود را از او گرفته و پیوسته به عنوان نگهدارنده خود به او وابسته است.

به اعمال رسولان ۱۷:۲۵ تا ۲۸ مراجعه کنید. خالقی که برتر و فراتر از همه چیز، متعالی، حاکم مطلق و دارای اقتدار و قدرت شگفت‌انگیز است. مانند یک پادشاه، او با کلام خود اراده خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چیزها را از نیستی به هستی می‌آورد.

پیدایش ۱:۳، عبرانیان ۱۱:۳. او همچنین با فراخواندن و نامگذاری عناصر، اقتدار خود را بر تمام آفرینش نشان می‌دهد، پیدایش ۱:۵. خالق متعال و حاکم، شخصی نیز هست. در هر روز از خلقت، خدا شخصاً در هر جزئیات دخیل است و جهان خود را به گونه‌ای می‌سازد که او را خشنود کند و به مخلوقاتش سود برساند. به طرز چشمگیری، در روز ششم، او شخصاً انسان را به تصویر خود می‌آفریند و در او زندگی می‌دمد.

در اجتماع هستند و بر خلقت تسلط دارند. همانطور که دی. ای. کارسون به ما یادآوری می‌کند، نقل قول، به ما کرامتی شگفت‌انگیز داده شده است، و در درون ما ظرفیتی عمیق برای شناخت عمیق خدا نهاده شده است، نقل قول نزدیک. کارسون، دهان‌بند زدن به خدا، عنوان فرعی: مسیحیت با پست مدرنیسم روبرو می‌شود.

خداوند با آفریدن ما به صورت خود، ما را از بقیه آفرینش متمایز می‌کند و ثابت می‌کند که او از ما متمایز است. ما از خدا نیستیم، بلکه موجوداتی هستیم که به صورت خالق آفریده شده‌ایم. خداوند نیز نیکوست

که این در نیکویی آفرینش او منعکس شده و در این تکرار مداوم تقویت شده است: «و خداوند دید که «نیکوست».

پیدایش ۱:۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۵. در روز ششم، خلقت حتی به عنوان بسیار نیکو توصیف شده است، آیه نیکویی ذاتی خلقت جایی برای دوگانگی اساسی بین روح و ماده باقی نمی‌گذارد، به طوری که روح خوب و ۳۱. ماده بد باشد.

در واقع، خلقت مادی، نیکویی خداوند را منعکس می‌کند، که در فراهم کردن سخاوتمندانه نور، زمین، پوشش گیاهی، حیوانات و موجودات خزنده نیز مشهود است. اینها نعمت‌های خداوند برای منفعت بشریت هستند همانطور که توانایی ارتباط با خدا، باروری برای تولید مثل و اختیار استفاده از ذخایر فراوان زمین برای خیر بشریت نیز چنین هستند. اگرچه خلقت در خلقت انسان به تصویر خدا توسط خداوند به اوج خود می‌رسد، پیدایش ۱:۱ تا ۲:۳ در آرامش خدا به اوج خود می‌رسد.

تا روز هفتم، خداوند کار آفرینش خود را به پایان می‌رساند، استراحت می‌کند، آن روز را متبرک و مقدس می‌کند، مانند یک سبت که باید حفظ شود. با انجام این کار، خداوند شادی و رضایت خود را در خلقت و جشن تکمیل آن نشان می‌دهد و این رویداد ویژه را گرمی می‌دارد. خداوند باغ عدن را به عنوان مکانی فراهم می‌کند که در آن مرد و زن می‌توانند زندگی و کار کنند.

نقل قول از جان سی. کالینز: خدا انسان را می‌آفریند، باغ را می‌پروراند، انسان را به آنجا می‌برد، شرایط رابطه با او را تعیین می‌کند و به دنبال یاری‌دهنده‌ای برای او می‌گردد که در زن به اوج خود می‌رسد. پیدایش ۱ تا ۴ منبع این نقل قول است. انسان از خاک زمین آفریده شده است، اما چیزی بیش از خاک است.

حیات او مستقیماً از همان دم خدا سرچشمه می‌گیرد، پیدایش ۲، ۷. خالق و پروردگار عهد، با کاشتن باغ و انتقال انسان به آنجا، فضایی لذت‌بخش و مقدس فراهم می‌کند که در آن انسان‌ها می‌توانند از رابطه‌ای هماهنگ با او، با یکدیگر، با حیوانات و با زمین لذت ببرند. «والتکه می‌گوید»: باغ عدن یک باغ معبد است که بعداً در خیمه مقدس نمایان می‌شود. «والتکه، پیدایش، صفحه ۸۵.

به این ترتیب، باغ، حضور خدا را در کنار انسان‌ها برجسته می‌کند. بنابراین، خدا آدم و حوا را به تصویر خود به عنوان موجوداتی نیکو و با امتیازات شگفت‌انگیز و مسئولیت‌های مهم در باغ عدن خلق می‌کند. آنها رابطه‌ای بدون مانع با خدا، لذت صمیمانه از یکدیگر و اقتدار تفویض شده بر خلقت را تجربه می‌کنند.

خداوند شرایط زندگی در حضور خود را تعیین می‌کند و با لطف خود تنها یک ممنوعیت را مطرح می‌کند: آنها نباید از درخت شناخت نیک و بد بخورند. سقوط، زیرشاخه بعدی ماست. متأسفانه، آدم و حوا از فرمان خدا اطاعت نمی‌کنند، بلکه سقوط می‌کنند، پیدایش ۳. این روایت با وسوسه‌گری آغاز می‌شود که صداقت، حاکمیت و نیکی خدا را زیر سوال می‌برد.

وسوسه‌گر حيله‌گر است و توجه زن را از رابطه‌ی پیمانی که خدا برقرار کرده است، منحرف می‌کند. در آیات شش تا هشت، صحنه‌ی مرکزی داستان سقوط به اوج خود می‌رسد. توالی مهلک به سرعت در آیه‌ی ۳.۶ توصیف شده است. او دید، گرفت، خورد و داد، که در نهایت به «او خورد» ختم می‌شود.

و نهام در میانه آیات شش تا هشت مشاهده می‌کند و می‌گوید: «می‌خورد»، فعل کلیدی روایت، یعنی خوردن «را به کار می‌برد و در میان انتظار اغراق‌آمیز زن از خوردن قرار می‌گیرد. میوه برای خوردن خوب» است، چشم‌نواز است و بینشی نسبت به اثرات واقعی آن ارائه می‌دهد. چشمان مرد و زن باز می‌شود. آنها می‌دانند که برهنه هستند و در میان درختان پنهان می‌شوند.

گوردون ونهام، پیدایش ۱ تا ۱۵، تفسیر کتاب مقدس. می‌خواهم کمی بیشتر بگویم. ونهام کلمات را شمرده و او خورد «را در مرکز قرار می‌دهد، و این انتظارات اغراق‌آمیز زن در خوردن را از اثرات واقعی آن که ویرانگر» هستند، متمایز می‌کند.

تضاد قابل توجه است. میوه ممنوعه آنچه را که وسوسه‌گر وعده داده است، محقق نمی‌کند، بلکه واقعیت‌های تاریک جدیدی را به ارمغان می‌آورد که توسط خداوند عهد نیک و راستگو هشدار داده شده است. این عمل اولیه‌ی شورش انسان، عدالت الهی را به ارمغان می‌آورد.

آنها با خوردن گناه می‌کنند و بنابراین از خوردن رنج می‌برند. او شوهرش را به گناه سوق داد و بنابراین توسط «او مغلوب شد. آنها با نافرمانی خود درد را به جهان آوردند و بنابراین در زندگی خود رنج دردناکی خواهند داشت.» آلن راس، آفرینش و برکت، صفحه ۱۴۸، یک مطالعه‌ی آموزنده.

عواقب گناه آنها شایسته و ویرانگر است. این زوج بلافاصله احساس شرم می‌کنند و متوجه می‌شوند که برهنه هستند، ۳:۷.

آنها بیگانگی خود را از خدا حس می‌کنند، حتی احمقانه سعی می‌کنند از او پنهان شوند، آیات ۸ تا ۱۰. آنها از خدا و نحوه واکنش احتمالی او می‌ترسند، آیات ۹ و ۱۰. بیگانگی آنها از یکدیگر همچنین زمانی آشکار می‌شود که زن مار را سرزنش می‌کند، در حالی که مرد زن را سرزنش می‌کند، و با اشاره، حتی خدا را نیز سرزنش می‌کند (آیات ۱۰ تا ۱۳).

درد و اندوه نیز از پی آن می‌آیند. زن در هنگام زایمان درد بیشتری را تجربه می‌کند. مرد در تلاش برای پرورش غذا در زمینی پر از آفت و علف هرز، رنج می‌برد و هر دو در رابطه خود ناهماهنگی پیدا می‌کنند، آیات ۱۵ تا ۱۹.

حتی بدتر از آن، این زوج از باغ عدن و از حضور باشکوه خدا تبعید می‌شوند، آیات ۲۲ تا ۲۴. چقدر آرزو می‌کردند که به هشدار خدا گوش داده بودند. اگر از درخت شناخت نیک و بد بخورید، مطمئناً خواهید مرد، ۲:۱۷.

پس از خوردن میوه ممنوعه، آنها بلافاصله به زمین نمی‌افتند و بر اثر چیزی مانند ایست قلبی نمی‌میرند، اما می‌میرند. آنها از نظر روحی می‌میرند و بدن‌هایشان نیز شروع به پوسیدگی تدریجی می‌کند که در نهایت به مرگ جسمی آنها منجر می‌شود، ۳:۱۹. ویرانگرترین چیز این است که این عواقب نه تنها دامن آدم و حوا را می‌گیرد، بلکه به فرزندان آنها نیز سرایت می‌کند.

گناه وارد صحنه می‌شود و در هر رابطه انسانی با خدا، خود، یکدیگر و خلقت، اختلال و بیگانگی ایجاد می‌کند. زمینه و خط داستانی پیدایش ۴:۱۱، این واقعیت جدید و غم‌انگیز را برجسته می‌کند. در آیات ۴ تا ۷، خدا به قابیل هشدار می‌دهد که گناه در کمین است و اشتیاق آن به سوی اوست، اما او باید بر آن مسلط شود.

متأسفانه، قابیل از توجه به نصیحت سر باز می‌زند و برادرش هابیل را می‌کشد. در نتیجه، قابیل مورد نفرین خدا قرار می‌گیرد، از زمین طرد می‌شود و از حضور خدا رانده می‌شود. پیدایش ۵ به ما یادآوری می‌کند که خدا انسان‌ها را به تصویر خود می‌آفریند و آنها را برکت می‌دهد.

این فصل با اشاره به خنوخ و نوح، امید را القا می‌کند، اما با تکرار جمله‌ی «سپس او هشت بار مرد» به طور هوشیارانه‌ای بر قلمرو مرگ تأکید می‌کند. پیدایش ۶ گسترش و تشدید گناه را که به عنوان گناهی عظیم

فراگیر، مداوم و مشخص به تصویر کشیده شده است، روشن می کند. خداوند با لطف خود عهدی با نوح برقرار می کند و به طور مناسب بشریت را با سیل داوری می کند.

پیدایش ۶:۹. پس از طوفان نوح، خداوند دوباره بر نعمت و فرمان آفرینش تأکید می کند و وعده‌ای برای عهد و پیمان می دهد. سپس پیدایش تاریخ برج بابل را بازگو می کند، جایی که خداوند انسان‌های مغرور و خودخواه را که به جای خدمت به عنوان حاملان تصویر خدا و پیشبرد نام او، سعی در کسب شهرت و افزایش نفوذ خود دارند، داوری می کند.

پیدایش ۱۱:۹. آفرینش. سقوط.

حال، رستگاری در داستان کتاب مقدس و شناخت خدا. خوشبختانه، خدا بشریت را به خاطر چنین خیانت کیهانی به طور کامل ریشه کن نمی کند، بلکه با لطف خود یک پروژه بازسازی را آغاز می کند. او فرآیند بازگرداندن بشریت به کیهان را آغاز می کند، به ویژه بازگرداندن انسان‌ها به عنوان حاملان کامل تصویر تا بتوانیم در جلال، هویت و مأموریتی که تمام مدت آرزویش را داشته‌ایم، شرکت کنیم و آن را منعکس کنیم.

خداوند، ابراهیم را از خانواده‌ای بت پرست فرا می خواند و با او پیمان می بندد و قول می دهد که برای او و فرزندان او باشد. پیدایش ۱۲: ۱-۳

خدا وعده می دهد که به ابراهیم سرزمینی عطا کند تا او را به ملتی بزرگ تبدیل کند و از طریق او همه. ۱۷:۷. مردم را برکت دهد. ۱۲:۳.

از ابراهیم، اسحاق و بعدها یعقوب به وجود آمدند که خدا نامشان را به اسرائیل تغییر داد و از میان آنها، خدا قبيله از قوم خود را به وجود آورد. بقیه عهد عتیق مربوط به برخورد خدا با ۱۲ قبيله اسرائیل است. از ۱۲ طریق موسی، بلاهای بزرگ و یک خروج چشمگیر، خدا اسرائیل را از بندگی مصر بیرون می خواند تا قوم او باشند.

او ده فرمان را به آنها می دهد، قول می دهد که خدای آنها باشد و آنها را قوم خود می داند. او قول می دهد که با آنها باشد و سرزمین موعود را به آنها می دهد، سرزمینی که آنها پس از شکست دادن کنعانیان، تحت رهبری یوشع اشغال می کنند. پس از مرگ یوشع، داورانی مانند جدعون، دبورا و سامسون رهبران قوم می شوند.

تاریخ تکرار می شود، نسلی پس از نسل دیگر صلح را تجربه می کند، سپس شورش می کند، سپس داوری خدا را دریافت می کند، سپس به درگاه خدا فریاد می زند و سپس دوباره صلح را تجربه می کند. خدا به قوم خود پادشاهی انسانی می دهد، ابتدا شائول، سپس داوود و سپس سلیمان. تحت فرمان داوود، مردی مطابق میل خدا، پادشاهی به طور قابل توجهی رشد می کند.

اورشلیم پایتخت می شود و خداوند عهد و پیمان خود را با قومش تجدید می کند. خداوند وعده می دهد که نسل داوود را به یک سلسله تبدیل کند و تاج و تخت یکی از آنها را برای همیشه برقرار سازد. خداوند از سلیمان، پسر داوود، برای ساختن معبدی استفاده می کند که در آن حضور عهد خداوند آشکار است.

سلیمان کارهای بسیار درستی انجام می دهد، اما در موارد عمده‌ای از خدا نافرمانی می کند و این منجر به تقسیم پادشاهی به پادشاهی‌های شمالی و جنوبی، به ترتیب اسرائیل و یهودا، می شود. خداوند پیامبران زیادی را می فرستد تا مردم را به وفاداری به عهد دعوت کنند. آنها قوم خود را از داوری‌هایی که در صورت توبه نکردن از گناهانشان و روی آوردن به خداوند، فرا خواهد رسید، هشدار می دهند.

با این وجود، مردم بارها علیه او و پیامبرانش شورش می‌کنند. در پاسخ، او پادشاهی شمالی متشکل از ده قبیله را در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به اسارت آشور و پادشاهی جنوبی متشکل از دو قبیله، یهودا و بنیامین، را در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به اسارت بابل می‌فرستد. خداوند همچنین از طریق پیامبران وعده می‌دهد که یک نجات‌دهنده بفرستد، اشعیا ۶: ۹ و ۷، اشعیا ۱۳: ۵۲ تا ۵۳: ۱۲.

خداوند وعده می‌دهد که قوم خود را پس از ۷۰ سال از اسارت بابل به سرزمینشان بازگرداند، ارمیا ۱۱: ۲۵ و او این را در زمان عزرا و نحمیا محقق می‌کند. مردم دیوارهای اورشلیم را بازسازی کردند و معبد دوم را ۱۲ ساختند، با این حال عهد عتیق با رویگردانی قوم خدا از او، ملاکی، پایان می‌یابد.

پس از ۴۰۰ سال، خداوند پسر خود را به عنوان مسیح موعود، بنده رنج کشیده، پادشاه اسرائیل و ناجی جهان می‌فرستد. پسر خدا از یک باکره باردار می‌شود و در عین حال که کاملاً الهی باقی می‌ماند، کاملاً انسان می‌شود. به مرور زمان، عیسی غسل تعمید می‌گیرد، با موفقیت وسوسه شیطان را در بیابان شکست می‌دهد و به عنوان مسیح اعلام می‌شود.

عیسی ۱۲ شاگرد را به عنوان رهبران جدید جامعه مسیحایی خود انتخاب و روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کند. او درباره پادشاهی خدا تعلیم می‌دهد، اینکه نقش خدا در عیسی مسیح ظهور کرده است. عیسی این را با بیرون راندن شیاطین، انجام معجزات و موعظه بشارت به فقرا نشان می‌دهد.

عیسی کاملاً از اراده و نقشه خدا پیروی می‌کند و بدون گناه باقی می‌ماند. او مورد علاقه بسیاری است اما رهبران یهودی، مذهبی و سیاسی با او مخالفند. او نه تنها با تصور آنها از مسیح مطابقت ندارد، بلکه غرور، اعتقادات و سنت‌های آنها را نیز تضعیف می‌کند.

مخالفت‌ها با محکوم شدن عیسی توسط شورای عالی یهود در یک محاکمه غیرقانونی افزایش یافت. از آنجایی که کشور توسط امپراتوری روم اشغال شده بود، رهبران باید عیسی را نزد دشمن سرسخت خود، پونتئوس پیلاطس، که عیسی را بی‌گناه تشخیص داده بود، بفرستند. با این حال، پیلاطس تحت فشار رهبران یهودی و جمعیت، به هر حال عیسی را مصلوب کرد.

عیسی، آن بی‌گناه، آن پارسا، بر روی صلیب می‌میرد. از دیدگاه انسانی، عیسی به عنوان قربانی در این عمل شنیع و به طرز نفرت‌انگیزی شیطانی می‌میرد. با این حال، داستان کتاب مقدس تأکید می‌کند که این مرگ بخشی از نقشه ابدی خدا برای نجات گناهکاران است.

مأموریت عیسی جستجوی و نجات گمشدگان است و او در این کار کوتاهی نمی‌کند. عیسی گناهکاران را به عنوان جایگزین، پیروز، قربانی، آدم دوم، نجات‌دهنده و صلح‌آور نجات می‌دهد. به طرز باورنکردنی، عیسی نه تنها جهان را بر روی صلیب حمل می‌کند، بلکه سه روز بعد در مکان‌ها، موقعیت‌ها و گروه‌های مختلف از مرگ قیام می‌کند.

بیش از ۵۰۰ نفر شاهد رستاخیز عیسی مسیح هستند. او از طریق رستاخیزش، هویت خود را تأیید می‌کند، گناه و مرگ را شکست می‌دهد، به قوم خود زندگی جدیدی می‌بخشد و پیش‌زمینه‌ای از رستاخیز آینده قوم خود را فراهم می‌کند. عیسی به شاگردانش دستور می‌دهد تا انجیل را به همه ملت‌ها برسانند تا وعده خدا به ابراهیم مبنی بر برکت همه مردم از طریق او محقق شود.

شاگردان او باید شاگردان دیگران را تربیت کنند که آنها نیز شاگردان دیگران خواهند بود. در روز پنطیکاست، عیسی روحی را می‌فرستد که کلیسا را به عنوان قوم عهد جدید خدا شکل می‌دهد. این روح به کلیسا قدرت می‌دهد تا در میان ملت‌ها به مسیح شهادت دهد.

کلیسای اولیه خود را وقف تعلیم رسولان، مشارکت، شکستن نان و دعا می‌کند، اعمال رسولان ۲:۴۲. کلیسای اولیه درگیر بشارت است، آیات ۳۸ تا ۴۱، و انجیل را با کسانی که مسیح را به عنوان وسیله نجات نمی‌شناسند به اشتراک می‌گذارد. کلیسا به شاگردی متعهد است و به مؤمنان دستور می‌دهد که از عیسی به عنوان یک راه زندگی پیروی کنند. کلیسا به مشارکت اختصاص دارد، آیات ۴۲ تا ۴۷، زندگی مشترک، شناخت یکدیگر و عشق ورزیدن به یکدیگر.

کلیسا همچنین در خدمت (آیات ۴۲ تا ۴۶)، دعا برای یکدیگر، بخشش به یکدیگر و برآوردن نیازهای یکدیگر، مشارکت دارد. کلیسا در پرستش (آیه ۴۶)، ستایش خدا، جلسات عمومی و آموزش خصوصی، دعا، بخشش و خوردن غذا با هم فعال است. کلیسا رشد می‌کند و با آزار و اذیت روبرو می‌شود، اما انجیل همچنان گسترش می‌یابد.

برخی از یهودیان و بسیاری از غیریهودیان به مسیح ایمان می‌آورند. کلیساها بنا می‌شوند و این چرخه ادامه می‌یابد. در طول مسیر، کلیساها آموزه‌های صحیح را آموزش می‌دهند، اشتباهات را اصلاح می‌کنند و مؤمنان را به زندگی در عشق، وحدت، تقدس و حقیقت فرا می‌خوانند.

رسولانی مانند پولس و پطرس نیز در مورد رستگاری تعلیم می‌دهند. خدای پدر، رستگاری را برنامه‌ریزی می‌کند. پسر آن را به انجام می‌رساند، و روح‌القدس آن را در مورد همه کسانی که به مسیح ایمان دارند، اعمال می‌کند. خدا مؤمنان را انتخاب می‌کند، فرا می‌خواند و در مسیح به آنها زندگی جدید می‌بخشد.

خداوند همه کسانی را که به مسیح ایمان دارند می‌بخشد، عادل اعلام می‌کند و به خانواده خود می‌پیوندد. خداوند قوم خود را در مسیح مقدس می‌سازد و سرانجام همه کسانی را که او را می‌شناسند، جلال خواهد بخشید. خداوند از روی عشق سخاوتمندانه و برای جلال خود نجات می‌دهد.

دانش خدا، طبق داستان کتاب مقدس، در خلقت، سقوط، رستگاری و اکنون در کمال عیسی آنچه را که آغاز کرده است به پایان خواهد رساند. او به عنوان پادشاه باز خواهد گشت تا سلطنت کند و عدالت، صلح، شادی و پیروزی را به ارمغان بیاورد.

پادشاهی، سلطنت خدا بر قومش از طریق پادشاه عیسی است. این پادشاهی هم یک واقعیت کنونی و هم وعده‌ای آینده است که به ظهور مجدد مسیح گره خورده است. عیسی آن را به صورت مرحله‌ای به ارمغان می‌آورد.

این امر در خدمت عمومی او آغاز می‌شود، زمانی که او تعلیم می‌دهد، معجزات انجام می‌دهد و دیوها را بیرون می‌کند، متی ۱۲:۲۸، متی ۱۳:۱ تا ۵۰. هنگامی که عیسی به دست راست خدا، جایگاه بزرگترین قدرت، صعود می‌کند، پادشاهی گسترش می‌یابد، افسسیان ۱:۲۰ و ۲۱، و هزاران نفر از طریق موعظه رسولان وارد آن می‌شوند، اعمال رسولان ۲:۴۱، ۴۷. کمال پادشاهی در انتظار بازگشت مسیح است، زمانی که او بر تخت جلال خود خواهد نشست، متی ۲۵:۳۱.

مسیح جهان را داوری خواهد کرد و مؤمنان را به مرحله نهایی پادشاهی دعوت می‌کند، در حالی که کافران را به جهنم تبعید می‌کند، متی ۲۵:۳۴ و ۴۱. متن کلاسیکی که پایان و این حقایق مرتبط را به تصویر می‌کشد مکاشفه ۲۰ تا ۲۲ است. همانطور که پیدایش ۱ و ۲ نشان می‌دهد که داستان کتاب مقدس با خلقت آسمانها و زمین توسط خدا آغاز می‌شود، مکاشفه ۲۰ تا ۲۲ نشان می‌دهد که با خلقت آسمان و زمین جدید توسط خدا پایان می‌یابد.

داستان با نیکویی خلقت خدا آغاز می‌شود و با نیکویی خلقت جدید پایان می‌یابد. داستان با سکونت خدا با قوش در یک معبد باغ آغاز می‌شود و با سکونت خدا با قوم پیمانانش در آسمان، زمین، شهر، باغ و معبد جدید، پایان می‌یابد. آسمان به زمین فرود می‌آید.

آسمان و زمین یکی هستند. یک بار برای همیشه، پیروزی خدا به کمال رسیده است. داوری خدا قطعی است.

گناه مغلوب می‌شود. عدالت پیروز می‌شود. تقدس غالب می‌گردد.

جلال خدا بی‌مانع است و پادشاهی محقق شده است. طرح ابدی خدا برای آشتی کیهانی در مسیح به واقعیت پیوسته است و خدا در زبان اول قرن‌تین ۱۵، همه چیز است. به عنوان بخشی از پیروزی خود، خدا شیطان و شیاطین او را به دریاچه آتش انداخت، جایی که آنها نابود نمی‌شوند، بلکه، همانطور که گفته شد، شبانه‌روز تا ابد عذاب می‌کشند.

مکاشفه ۲۰:۱۰، شیطان و دیوها بازگردانده نمی‌شوند، بلکه به جهنم می‌روند تا مجازات شایسته خود را دریافت کنند و تا ابد در آنجا رنج خواهند برد. سپس خدا همه را داوری می‌کند: کسانی که دنیا آنها را مهم می‌داند، کسانی که دنیا هرگز به آنها توجه نمی‌کند، و هر کس که در این بین قرار دارد، نقل قول می‌شود، هر کسی که نامش در دفتر حیات نوشته نشده باشد، به دریاچه آتش افکنده می‌شود. مکاشفه ۲۰ و آیه ۱۵.

خداوند فقط امپراتوران بی‌رحم روم را به جهنم نمی‌فرستد، همانطور که ممکن است انتظار داشته باشیم. او همه کسانی را که قوم عیسی نیستند به جهنم می‌فرستد. به دانیال ۱۲، ۱، مکاشفه ۱۴:۱۰ و ۱۱، مکاشفه ۲۱:۲۷ و ۲۱:۸ مراجعه کنید.

به طرز باشکوهی، آسمان‌ها و زمین جدید از راه می‌رسند، و خدا با قوم عهد خود ساکن می‌شود. مکاشفه ۲۱:۳ و ۷. این برای آنها تسلی می‌آورد: دیگر خبری از درد، مرگ و غیره نخواهد بود.

آیه ۴. همه چیز را نو می‌کند، آیه ۵. و اعلام می‌کند، انجام شده است، آیه ۶. سپس بهشت به عنوان یک معبد کامل، باشکوه، چندملیتی و مقدس به تصویر کشیده شده است. مکاشفه ۲۱، آیات ۹ تا ۲۷. قوم خدا به درستی تصویر خدا را دارند، به او خدمت می‌کنند، با او سلطنت می‌کنند، مستقیماً با او ملاقات می‌کنند و او را می‌پرستند.

تا ۵. خداوند پرستشی را که شایسته اوست، دریافت می‌کند و انسان‌ها به گونه‌ای توصیف‌ناپذیر برکت ۲۲:۱ می‌یابند و سرانجام به کمال واقعیت‌های آفریده شدن به تصویر خدا دست می‌یابند. برای مرور کامل‌تر داستان، کتاب مقدس، که با آموزه‌های خدا قاب گرفته شده است، به کتاب دی. ای. کارسون، خدایی که آنجاست جایگاه خود را در داستان خدا پیدا می‌کند، مراجعه کنید. شناخت خدا، داستان کتاب مقدس و الهیات ما.

داستان کتاب مقدس، مباحث ما در الهیات را شکل می‌دهد و چارچوب‌بندی می‌کند. آفرینش، سقوط، رستگاری و کمال، نظم و مباحث الهیات را شکل می‌دهند که اساساً امتداد آن مضامین هستند. خدا، آفرینش بشریت، گناه، عیسی و کار نجات‌بخش او، به‌کارگیری کار مسیح توسط روح القدس برای نجات ما، و کلیسا و آینده.

داستان کتاب مقدس همچنین محتوای الهیات ما را شکل می‌دهد و چارچوب‌بندی می‌کند. بنابراین، ما تلاش می‌کنیم تا کتاب مقدس را تفسیر کنیم و الهیات خود را مطابق با و تحت هدایت داستان و جهان‌بینی کتاب مقدس توسعه دهیم. ما می‌خواهیم کتاب مقدس را به عنوان شنوندگان فروتن، همانطور که قبلاً گفتیم، تحت نظر خدا و بنابراین تحت کلام او بخوانیم.

بنابراین، ما الهیات را به این شیوه دنبال می‌کنیم. مفید است که ببینیم چگونه حقایق کتاب مقدس از داستان کتاب مقدس، رویکرد ما به الهیات را پرورش داده و روشن می‌کند. ما به طور کلی به خطوط کلی الهیات داستان کتاب مقدس و اینکه چگونه هر یک ما را در دنبال کردن الهیات راهنمایی می‌کنند، خواهیم پرداخت.

سرفصل‌های ما این‌ها هستند. خدا، وحی او، و الهیات ما. خلقت و الهیات ما.

انسانیت و الهیات ما. گناه و همان. مسیح و الهیات ما.

نجات و همان. روح القدس در الهیات ما. کلیسا در الهیات ما.

و آینده الهیات ما. خدا، وحی او، و الهیات ما. ذات خدا پایه و اساس همه حقایق است و قطب‌نمایی برای الهیات ما فراهم می‌کند.

بی‌نهایت بودن خداوند این واقعیت را برجسته می‌کند که تنها اوست که دانش کامل، گذشته، حال و آینده را داراست. ما محدود هستیم، اما او محدود نیست.

لطف و کرم خداوند، الهیات ما را آغاز می‌کند، زیرا تمام شناخت خداوند از خودآشکارسازی سخاوتمندانه او سرچشمه می‌گیرد. ما چیزی در مورد خدا جدا از لطف او نمی‌دانیم، اما می‌توانیم و او را به واسطه لطفش می‌شناسیم. صداقت خداوند نشان می‌دهد که خودآشکارسازی او، حقیقت را منتقل می‌کند و این کار را به طور منسجم انجام می‌دهد.

ذات شخصی خدا به ما یادآوری می‌کند که شناخت او نیز رابطه‌ای است و ما را به سوی رابطه‌ای مبتنی بر عهد با او سوق می‌دهد. قداست خدا روشن می‌کند که الهیات کل‌نگر است و ما را به ترس از خداوند و سلوک در تقدس هدایت می‌کند. عشق خدا روشن می‌کند که الهیات مسیحی نباید خودمحور باشد، بلکه باید به سمت خدا و خیر دیگران باشد.

جلال خدا تأکید می‌کند که تمام دانش واقعی درباره خدا از جانب خدا، از طریق خدا و به سوی خداست. مکاشفه ۱۱:۳۳ تا ۳۶. خودآشکارسازی خدا، او را منعکس می‌کند و همچنین الهیات ما را هدایت می‌کند.

خودآشکارسازی خداوند، لطف و کرم است. او آزادانه آن را آغاز می‌کند و از طریق آن ما را برکت می‌دهد. این آشکارسازی، صادقانه است و صادقانه نشان می‌دهد که خدا کیست، چه می‌کند و چگونه با ما ارتباط برقرار می‌کند.

این یک وحدت است. اگرچه به اشکال مختلف منتقل می‌شود، اما ارتباط خداوند در مورد خود، بشریت و زندگی منسجم است. این ارتباط شخصی است و خدا و راه‌های او را به ما منتقل می‌کند.

این [علم] گزاره‌ای است، گزاره‌ها یا اظهاراتی را بیان می‌کند، حقیقت را در مورد خدا، بشریت، زندگی، تاریخ و رستگاری آشکار می‌سازد. از آنجایی که ما دریافت‌کنندگان خودآشکارسازی خدا هستیم، این علم قیاسی است زیرا او از زمینه‌ها، فرهنگ‌ها و زبان‌های انسانی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کند. قیاسی به این معنی است که از هر نظر دقیقاً شبیه دانش خدا از خودش نیست، و از برخی جهات آنقدر با دانش خدا از خودش متفاوت نیست که ما اصلاً نتوانیم او را بشناسیم.

این قیاسی است، مانند دانشی که خداوند از خود به طرق وحیانی خاصی دارد. وحی خداوند از خود جزئی است زیرا خدای نامحدود تنها می‌تواند اطلاعات محدودی را به ما انسان‌های محدود آشکار کند. این وحی تاریخی است، زیرا خداوند در مکان و زمان با ما ارتباط برقرار می‌کند، که در میان ادیان جهان منحصر به فرد است.

این [علم] در متن مقدس مترقی است، زیرا به نسل‌های متعدد مربوط می‌شود و به تدریج خودافشگری خود را در طول زمان گسترش می‌دهد. به این ترتیب، الهیات تنها از طریق ابتکار الهی امکان‌پذیر است. بر محتوا و وحدت حقیقت وحیانی متکی است، دارای اجزای عینی و ذهنی است، نیازمند بینش در فرهنگ بشری است. نمی‌تواند جامع باشد، با تمام زندگی مرتبط است و مطالعه آن یک فرآیند دائمی است.

علاوه بر این، تجلی لطف‌آمیز خداوند به طرق مختلف و در زمینه‌های گوناگون، اما با وحدتی چشمگیر، ارائه می‌شود. خداوند خود را از طریق خلقت، که گواه او به عنوان خالق و پروردگارش است، به همه مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها آشکار می‌کند، مزمور ۱۹، ۱-۶، رومیان ۱: ۱۸-۳۲. همچنین این کار را با خلق انسان‌ها به تصویر خود انجام می‌دهد.

شریعت اخلاقی بر قلب انسان نوشته شده است، رومیان ۲: ۱۲-۱۶. بنابراین، الهیات ما با طیف وسیعی از جهان‌های فکری، فرهنگی و حرفه‌ای سروکار دارد. وحی عمومی و فیض عام به ما یادآوری می‌کند که حتی کار و فرهنگ صریحاً غیرمسیحی نیز ناگزیر شامل شهادتی بر حقیقت خداوند خواهد بود.

الهیات می‌تواند «بارقه‌هایی از عدالت، حکمت، حقیقت و زیبایی را که در تمام جنبه‌های زندگی در اطراف خود می‌یابیم، تشخیص دهد و گرامی بدارد. در نهایت، درک انجیل و آموزه‌های کتاب مقدس در مورد تعامل فرهنگی باید مسیحیان را به این سمت سوق دهد که قدردان دستان خدا در پشت کار همکاران و همسایگان خود باشند.» تیموتی کور و کاترین لیری آلسدورف.

هر برخورد خوب، کار شما را به کار خدا متصل می‌کند. خدا همچنین خود را در زمان‌ها و مکان‌های خاص به افراد خاص آشکار می‌کند و به تدریج و واضح‌تر خود و روابط عهد خود را بیان می‌کند. او خود را از طریق اعمال تاریخی، به عنوان مثال، خروج، کلام الهی، به عنوان مثال، ده فرمان، و قوم عهد خود، که تقدس، عشق و عدالت آنها منعکس کننده شخصیت خود اوست، نشان می‌دهد. خروج ۵: ۱۹ و ۶، مکاشفه ۱۹، لاویان ۱۹، ببخشید، ۱ تا ۱۸.

خداوند خود را به طور کامل در عیسی و تجسم او، زندگی بدون گناه، تعالیم، اعلام پادشاهی او، معجزات مصلوب شدن، رستاخیز، صعود، سلطنت و بازگشت موعود آشکار می‌کند، یوحنا ۱: ۱ تا ۱۸، عبرانیان ۱: ۱ تا ۴. خداوند همچنین خود را از طریق پیامبران الهام گرفته، رسولان و کتاب مقدس آشکار می‌کند، که به طور دقیق مکاشفه خود خدا را ثبت و تفسیر می‌کند. علاوه بر این، کتاب‌های مقدس کلام خدا نامیده می‌شوند و خود در دسترس‌ترین شکل مکاشفه خود خدا هستند. مزمور ۱۹: ۷ تا ۱۴، متی ۵: ۱۷ تا ۲۰، یوحنا ۱۰: ۳۵، دوم تیموتائوس ۳: ۱۵ تا ۴: ۵، اول پطرس ۱: ۲۲ تا ۲۵.

به همین دلیل، الهیات با ترس از خداوند آغاز می‌شود، امثال ۱: ۱ تا ۷. این امر ما را ملزم می‌کند که خود را به عنوان مخلوقاتی ببینیم که در پی شناخت خالق و جهان او از طریق اتکا به خودآشکارسازی او هستند، که به واضح‌ترین شکل در کتب مقدس معتبر و حقیقی - خلقت در الهیات ما - بیان شده است. خلقت خدا همچنین به عنوان جزئی از الهیات ما عمل می‌کند.

خداوند بی‌نهایت، قائم به ذات، شخصی، حاکم، مقدس و نیکو، با قدرت سخن گفت و کیهانی نیکو آفرید، که همانطور که دیدیم، با تکرار مداوم کلامش مشهود است، و خدا دید که نیکوست. نیکویی در روز ششم خلقت، زمانی که خدا گفت بسیار نیکوست، برجسته شد. پیدایش ۱:۳۱

نعمت‌های سخاوتمندانه‌ی خداوند از نور، زمین، گیاهان و حیوانات، نعمت‌هایی هستند که برای منفعت ما داده شده‌اند، همانطور که توانایی‌های ما برای شناخت خدا، ازدواج، تولید مثل و کار نیز نعمت‌هایی هستند بنابراین، خدای خوب، جهانی خوب برای مؤمنان، خوب و خوب برای دیگران می‌آفریند. خلقت، گواهی بر خدا و خوبی و قدرت اوست.

حقیقت، خوبی، زیبایی و صلح به وفور یافت می‌شوند. در نتیجه، شایسته است که ما در پرتو وحی الهی، به دنبال درک تمام خلقت، تمام حیات باشیم. انسانیت در الهیات ما

اینکه ما به عنوان انسان چه کسی هستیم، الهیات ما را نیز هدایت می‌کند. ما به عنوان مخلوق، به طور طبیعی تمام نشانه‌های محدودیت را داریم. آه، دانش ما به عنوان انسان محدود است، که نشان دهنده تمایز خدای خالق و مخلوق است.

حتی بیشتر از این، ما توسط خدا به تصویر او آفریده شده‌ایم تا او را دوست داشته باشیم، شخصیت او را منعکس کنیم و به مأموریت او خدمت کنیم. به این ترتیب، دانش صرفاً یک افزودنی خوب برای دنبال کردن نیست، بلکه به اهداف اصلی و اساسی خدا برای ما مربوط می‌شود، عشق و خدمت به خدا، دیگران و خلقت آنها. پیدایش ۱:۲۶-۲۸

چنین عشق و خدمتی مستلزم شناخت ما از خدا، خود، فرهنگ و خلقت است. شناخت خدا، و بنابراین شناخت الهیات به عنوان بخشی از شناخت خدا، برای تحقق هدف ما بسیار مهم است. همانطور که ما به طور فزاینده‌ای خدا را در این حقایق می‌شناسیم، می‌توانیم به طور مناسب حقیقت، نیکی، زیبایی و صلح را به عنوان اهداف والای فی‌نفسه و به عنوان راه‌هایی برای جلال دادن خدا با شناخت، تأمل و خدمت به او دنبال کنیم.

گناه و الهیات ما. متأسفانه، واقعیت گناه ما، شناخت ما از خدا و در نتیجه الهیات ما را تحریف می‌کند. انسان‌ها علیه خدا شورش می‌کنند و رابطه ما را با او، دیگران، خودمان و خلقت مختل می‌کنند.

پیدایش ۳، رومیان ۵: ۱۲-۲۱. اکنون ما هم با تصویر خدا و هم با گناه مشخص می‌شویم. ما به طور شایسته‌ای مشتاق عدالت، صلح و زیبایی هستیم، اما تمایل داریم این چیزها را تحریف کنیم یا آنها را صرفاً برای منافع شخصی خود جستجو کنیم، نه برای جلال خدا و خیر دیگران.

در واقع، گناه ذهن، عواطف، نگرش‌ها، اراده و اعمال ما را آلوده و تحت تأثیر قرار می‌دهد. کتاب مقدس این فساد را به طرق مختلف توضیح می‌دهد و از تصاویری مانند مرگ معنوی، تاریکی، سختی، اسارت و نابینایی استفاده می‌کند. مرقس ۷: ۲۰-۲۳

رومیان ۱:۱۸-۳۲. رومیان ۹: ۳-۲۰. دوم قرن‌تیان ۳: ۴-۴

افسسیان ۲: ۱-۳. افسسیان ۴: ۱۷-۱۹. به همین ترتیب، الهیات ما اغلب با محدودیت، تعصب و کوتاه‌بینی فرهنگی مشخص می‌شود و ممکن است ناشی از خودخواهی، غرور، اعتبار، طمع یا عطش قدرت باشد.

حتی دانش مسیحی ما نیز این مشکلات را منعکس می‌کند. مسیح و الهیات ما. خوشبختانه، مسیح از ما بزرگتر است و او روشن می‌کند که چگونه باید در الهیات رشد کنیم.

عیسی کلمه است، کامل‌ترین و واضح‌ترین مکاشفه خدا. یوحنا ۱: ۱-۱۸. عبرانیان ۱: ۱-۴

عیسی حقیقت و نور جهان است، جهانی که به دلیل گناه تاریک شده است. یوحنا ۱: ۴-۱۸، ۸-۱۲

عیسی خداوند است، آن قدرت برتر که شایسته و خواستار وفاداری و اطاعت ما در تمام زندگی، از ۱۴:۶ (جمله تفکر ماست). فیلیپیان ۲: ۵-۱۱

او همچنین معلمی است که ما را به عنوان شاگردان خود شکل می‌دهد و در ما سرمایه‌گذاری می‌کند، در مورد پادشاهی خدا به ما می‌آموزد و کلیسای خود و جامعه‌اش را بنا می‌کند. علاوه بر این، عیسی اعلام می‌کند که پرستش واقعی در روح و حقیقت است، ما را ترغیب می‌کند تا کتاب مقدس را که به او شهادت می‌دهند جستجو کنیم و از ما انتظار دارد که هویت خود را بررسی کنیم، هویت او، معجزات، آموزه‌ها و اعمال او را بررسی کنیم تا ببینیم که او از جانب خداست. عیسی خود را به حقیقت پیوند می‌دهد، خطا را اصلاح می‌کند و روح القدس را به عنوان کسی که ما را در حقیقت هدایت می‌کند، می‌فرستد.

عیسی همچنین حیات جاودان را به عنوان شناخت خدا و دعا برای تقدیس ما توسط کلام، که او آن را به عنوان حقیقت توصیف می‌کند، تعریف می‌کند. متی ۷: ۵. یوحنا ۱: ۱۵-۱۸

یوحنا ۱۴: ۶ و ۱۷: ۳-۱۷. رسول می‌گوید، نقل قول، که تمام گنجینه‌های حکمت و دانش در مسیح نهفته است، کولسیان ۲: ۳. در نتیجه، تمام حقیقت، و بنابراین تمام الهیات، تمرکز و منبع خود را در خود مسیح می‌یابد. در واقع، تمام خلقت، از جمله تمام دانش، تعالیم و حرفه‌های ما، توسط مسیح، در مسیح و برای مسیح گرد هم آمده است، کولسیان ۱: ۱۵-۲۰.

رستگاری در الهیات ما. شگفت‌آور است که الهیات ما تلاشی انتزاعی برای کالبدشکافی یا بررسی خدا نیست. الهیات مبتنی بر عهد و پیمان است.

یعنی، خدا ما را به تصویر خود می‌آفریند، با صبر و شکیبایی عصیان ما را تحمل می‌کند و پسر خود را برای نجات ما می‌فرستد تا بتوانیم او را بشناسیم و در یک رابطه پیمانی با او باشیم. الهیات به شدت شخصی است زیرا درباره خدا و درباره ما در رابطه‌مان با خدا است. آموزه نجات در داستان کتاب مقدس این حقیقت را برجسته می‌کند و هویت مسیحی را در پرتو آن تعریف می‌کند.

ما از نظر روحانی به مسیح پیوسته‌ایم و دریافت‌کنندگان حیات تازه هستیم. ما به مسیح ایمان داریم و در او به عنوان عادل پذیرفته شده‌ایم. ما فرزندان خدا هستیم و به انسان‌های مقدس به تصویر مسیح تبدیل می‌شویم.

ما در مسیح هستیم. ما چیزی برای ترسیدن، چیزی برای اثبات کردن و چیزی برای پنهان کردن نداریم. بنابراین، وظیفه الهیات، جستجوی هویت، رشد و امنیت ما را ممکن و تقویت می‌کند،

الهیات به ما حکمتی می‌دهد تا در راه‌های خدا، مطابق کلام خدا و با قدرت خدا گام برداریم. روح القدس در الهیات ما. کار عیسی برای ما از طریق روح القدس بر ما اعمال می‌شود و ما را با مسیح متحد می‌سازد.

روح القدس الهام بخش کتاب مقدس بوده و اکنون ما را قادر به درک آن می سازد. او در ما ساکن است، به ما قدرت می بخشد و در ما میوه می دهد. او رهبران کلیسای ما را هدایت می کند و عبادت ما را ممکن می سازد.

او به ما عطایای روحانی عطا می کند تا کلیسا را از طریق ما متبرک سازد. در نتیجه، الهیات ما برای محتوای خود به روح القدس وابسته است. او کتاب مقدس را الهام بخشیده است.

الهیات ما برای بینش خود به روح القدس وابسته است. ما سخت مطالعه می کنیم، اما او ما را قادر می سازد تا کلام را به درستی تفسیر کنیم. الهیات ما برای زمینه کلیسایی خود به روح القدس وابسته است.

او کلیسا را تأسیس و در آن ساکن شد. الهیات ما برای ثمربخشی خود به روح القدس وابسته است. او به معلمان کلیسای ما قدرت می بخشد و ما و الهیات ما را به خدمت خدا و دیگران سوق می دهد.

در کلیسا، در الهیات ما، عیسی از طریق زندگی عاری از گناه، مرگ نیابتی و رستاخیز جسمانی خود، ما را به عنوان قومی برای خود نجات می دهد. به عنوان یک کلیسا، ما با حقیقت مشخص می شویم. ما با آموزه های رسول شکل می گیریم.

ما با خطا مخالفت می کنیم و به عنوان جامعه ای از کلام او، زندگی را با هم به اشتراک می گذاریم. از طریق اتحادمان با مسیح، ما حتی خوبی خدا، به ویژه یگانگی، تقدس، عشق و حقیقت او را نشان می دهیم. اعمال رسولان ۲:۴۱ تا ۴۷، افسسیان ۲:۴ تا ۱۰، و ۱:۱ تا ۴ تا ۲۴.

ما به عنوان قوم خدا، با تسلیم خود به او به عنوان قربانی های زنده، مقدس و مقبول، خدا را پرستش می کنیم که بخشی از آن از طریق تبدیل شدن به واسطه تجدید ذهنمان و تشخیص اراده خدا صورت می گیرد. رومیان ۲، افسسیان ۴: ۱۷ تا ۲۴. به این ترتیب، الهیات ما صرفاً تلاش فردگرایانه خودمان نیست، بلکه در ۱: ۱۲ کل زندگی ادغام شده و در جامعه به عنوان قوم خدا تحت کلام مقتدرانه خدا دنبال می شود.

این امر از ما نیز چیزهایی را می طلبد: دعوت به انسانیت، ایمان، اتکا به فیض الهی، احترام به دیگران، کوشش صبر، دقت و پشتکار. ما به عنوان مسیحی، به یکدیگر نیاز داریم و در اجتماع، الهیات را زیر سایه کلام الهی می آموزیم، زیرا زندگی را با هم به اشتراک می گذاریم. در نهایت، آینده در الهیات ماست.

اهداف نهایی خدا برای تاریخ، رویکرد ما را به الهیات نیز هدایت می کند. بازگشت، پیروزی و داوری عیسی خداوندی او را اعلام می کند، ما را به عنوان قوم او تبرئه می کند و عدالت و صلح کیهانی را برای همیشه برقرار می سازد. دوم تسالونیکیان ۱: ۵ تا ۱۰، مکاشفه ۲۰: ۱ تا ۱۵.

تمام باطل سرنگون خواهد شد و همه کسانی که به باطل عمل می کنند به جهنم ابدی تبعید خواهند شد. مکاشفه ۲۰ تا ۲۲. سه فصل آخر کتاب مقدس هر کدام بر آسمان های جدید و زمین جدید تمرکز دارند، اما هر یک از سه فصل آخر کتاب مقدس شامل اشاراتی به جهنم است.

آسمان و زمین جدید با حضور شخصی خدا در کنار قومش مشخص خواهند شد. و از آنجا که ما در مسیح زندگی جدیدی داریم، زمین جدید با جلال او و جلال ما، تقدس او و جلال ما، عشق او و عشق ما، نیکی او و عشق ما مشخص خواهد شد. من با احترام صحبت می کنم.

بنابراین، تاریخ خطی، هدفمند، آخرت گرایانه برای خیر ما و به طور عمده برای جلال خدا است. رومیان ۸ تا ۳۹، افسسیان ۱: ۳ تا ۱۴. به این ترتیب، الهیات فرآیندی ارزشمند است که در آن ما به دنبال درک ۱۸ خدا و نیکی، عشق، عدالت و صلح او هستیم تا به یکدیگر خدمت کنیم و خدا را جلال دهیم.

حتی بیشتر از این، تلاش ما در الهیات این را می‌پذیرد که ما تا حدودی می‌دانیم، در طول زمان در شناخت خدا، رشد می‌کنیم و مشتاق روزی هستیم که ایمان به چشم بیاید. اول قرن‌تین ۹:۱۳ تا ۱۲. ما به عنوان مسیحی، به درستی برای الهیات ارزش قائلیم.

این خدا را ستایش می‌کند و به طور طبیعی از داستان کتاب مقدس سرچشمه می‌گیرد. خدا، خودآشکارسازی او، خلقت، هویت ما به عنوان انسان‌هایی که به تصویر او آفریده شده‌اند، عیسی، کار عیسی، نجات، روح القدس، کلیسا و چیزهای آخر، همگی راهنمای نحوه مطالعه الهیات ما هستند. شگفت‌آور است که هر بخش از داستان کتاب مقدس و هر حقیقت در ایمان مسیحی، ایمان، امید و عشق ما، در واقع هر جنبه‌ای از زندگی روزمره ما را شکل می‌دهد.

در سخنرانی بعدی، توجه خود را به شناخت خدا و منابع الهیاتمان، که شامل سنت، عقل، تجربه و درجه اول کتاب مقدس است، معطوف خواهیم کرد.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس است. این جلسه سوم، شناخت خدا و داستان کتاب مقدس و شناخت خدا و الهیات ماست.